

مناقب نامی از قرآن

سید محی شری

www.ketab.ir



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۳

سروش‌نامه: یثربی، سیدیحیی، ۱۳۲۱-
عنوان و نام پدیدآور: ناگفته‌هایی از قرآن / سیدیحیی یثربی.
مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۳۰۴ ص.
شابک: 978-964-00-1718-0
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: قرآن -- بررسی و شناخت.
موضوع: قرآن -- مطالب گوناگون.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ن ۲ ی ۶۵/۴ BP
رده‌بندی دیوبی: ۲۹۷/۱۵
شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۸۱۹۳۵

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۰-۱۷۱۸-۰



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۴۱۹۱

ناگفته‌هایی از قرآن

© حق چاپ: ۱۳۹۳، مؤسسه انتشارات امیرکبیر www.amirkabir.net

نوبت چاپ: اول

مؤلف: دکتر سیدیحیی یثربی

طراح جلد: محمدرضا نبوی

حروف متن: کریم ۱۵

چاپ و صحافی و لیتوگرافی: طرفه، تلفن: ۵۵۲۶۹۲۸۷-۸

شمارگان: ۱۰۰۰

بها: ۱۱۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بانوئیس، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به‌جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در کیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست

۹		پیشگفتار
۱۹		دین جاوید، اعجاز جاوید
۱۹		ختم نبوت
۲۱		نظر ما
۲۱		دیدگاه عرفای اسلام
۲۲		نظر ما
۲۸		نظر ما
۳۰		ختم نبوت و مسئولیت انسان
۳۱		اعجاز قرآن
۳۴		نظر ما
۴۳		الف - شب معراج
۴۵		سدرۃ المنتهی
۴۷		ب - دیدگاه ها درباره معراج
۵۱		معراج جسمانی بوده یا روحانی؟
۵۱		هدف معراج
۵۲		معراج و علوم روز
۵۵		نظر ما

۶۱	 نظر ما
۶۵	 زبان قرآن
۷۰	 دلایل پیام‌محور و عقلانی بودن قرآن
۷۴	 دلیل ویژه پیام‌محور بودن قرآن
۸۰	 ج - چرا زبان قرآن عربی است
۸۳	 نقد ما بر دیدگاه مفسران درباره زبان قرآن
۸۴	 نتیجه
۸۵	 مبانی فهم قرآن
۸۵	 اعتبار انسان به عنوان مخاطب
۹۰	 رابطه توحیدی و ربوبی خدا با انسان
۹۷	 وظیفه اصلی انبیا
۹۹	 زبان قرآن
۱۰۲	 نتیجه و نظر
۱۰۹	 چند نکته درباره فهم قرآن
۱۰۹	 زبان روشن قرآن
۱۱۹	 مسئله ظاهر و باطن قرآن
۱۳۰	 نتیجه
۱۳۲	 بررسی و نقد دیدگاه طباطبایی در معنای باوئل
۱۳۳	 نظر ما
۱۳۵	 چند نکته پایانی
۱۴۳	 قرآن و عرفان
۱۴۳	 عرفان روش است نه آیین
۱۴۵	 طرح عرفان، بدون اعتقاد به دین
۱۴۵	 اقرار عرفا بر جدایی عرفان از دین
۱۴۸	 شهادت تاریخ
۱۴۹	 پیدایش تصوف، یک قرن پس از استقرار اسلام
۱۴۹	 مخالفت علمای اسلام با این مکتب
۱۷۴	 نتیجه
۱۷۵	 شعر در قرآن
۱۷۵	 مقدمه: واژه‌شناسی و سابقه شعر



۱۸۰	مفهوم شعر در قرآن
۱۸۴	موضع قرآن در برابر شعر و شاعر
۲۰۳	جایگاه انسان در نظام آفرینش
۲۰۳	برتری انسان در نظام آفرینش
۲۰۸	آزمون شناخت موجودات
۲۰۹	تأکید بر برتری انسان‌ها
۲۱۱	آدم در بهشت
۲۱۶	تکلیف و آگاهی
۲۱۶	گناه و آزادی انسان
۲۱۶	هبوط آدم
۲۱۷	انسان پس از هبوط
۲۱۸	انسان و توبه
۲۱۹	رسول خدا و پذیرش توبهٔ تبهکاران
۲۲۱	انگیزهٔ توبهٔ آدم
۲۲۳	انسان نیازمند هدایت
۲۲۳	دو پرش دربارهٔ آفرینش انسان
۲۲۴	پاسخ اشکال براساس دانش جدید
۲۲۵	پاسخ بر این اساس که قرآن یک کتاب علمی نیست
۲۲۵	نظر ما
۲۲۹	انسان و دین در گذر تاریخ
۲۲۹	خطر تظاهر تبهکاران به دین‌داری
۲۳۲	انگیزهٔ بعثت پیامبران (ص)
۲۳۵	نگاهی دیگر به مشکل آفرینی انسان در برابر دین
۲۳۵	بهره‌گیری ابزاری از دین
۲۳۶	مثلث شوم زور و زر و تزویر
۲۳۷	متولیان دین عامل اصلی اختلافند
۲۳۹	دیدگاه‌ها در تفسیر یگانگی نخستین مردم
۲۴۰	نظر ما در این باره
۲۴۳	قرآن و اعتبار خردورزی مردم
۲۴۵	هویت انسان



۲۴۸	جایگاه ارزشی حضور و زندگی انسان در جهان
۲۵۱	توان معرفتی انسان
۲۵۳	ابزار کسب اطلاعات انسان
۲۶۱	منبع اطلاعات انسان
۲۶۳	روش کسب اطلاعات
۲۶۶	ستایش دانایی
۲۷۰	تشویق به تحقیق
۲۷۲	واقعیت جهان
۲۷۴	رابطه انسان با دنیا و زندگی دنیوی
۲۷۶	برابری انسان‌ها
۲۷۹	آزادی انسان‌ها
۲۸۰	خردیت انسان‌ها
۲۸۲	بقای انسان‌ها
۲۸۲	چرایی زندگی دنیوی انسان‌ها
۲۸۳	بیان روشن و مفاهیم قابل انتقال
۲۸۶	پرهیز از حوزه‌های خیالی
۲۸۹	تجمل و تشریفات
۲۹۱	ایمان انسان‌ها
۲۹۱	فتوا نه دگما
۲۹۳	منابع
۲۹۹	نمایه



پیشگفتار

ضمن تفسیر قرآن کریم، به نکته‌هایی برخوردیم که پیش از آن در تفسیرهای دیگر ندیده بودیم. به این نتیجه رسیدیم که با پیشرفت تفکر و رشد عقل و ذهن انسان، کارایی قرآن نیز بیشتر می‌گردد. یعنی ما هرچه با ذهن بازتر و پرسش‌های عمیق‌تر به سراغ قرآن برویم، پاسخ‌های عمیق‌تر و کارآمدتر به دست می‌آوریم. برای نمونه رابطه شرک و ظلم را یادآور می‌شوم:

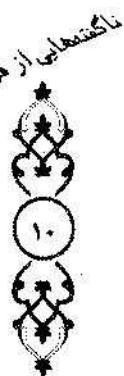
مفسران گذشته، به جنبه سیاسی و اجتماعی توحید و ظلم توجه نداشتند. در آیه‌های مربوط به توحید تنها از یگانگی خداوند سخن می‌گفتند و هر آیه‌های مربوط به شرک نیز، تنها از شرک مشرکان و اینکه شرک گناه بزرگی است، صحبت می‌کردند اما به جنبه سیاسی و اجتماعی آن توجه نداشتند. قرآن کریم، شرک را ستمی بزرگ می‌داند و مفسران گذشته به رابطه سیاسی - اجتماعی شرک با ستم، توجه نداشتند. برای نمونه آقای مکارم شیرازی، در تفسیر آیه ۱۳ سوره لقمان، که شرک را ستم بزرگ می‌نامد، چنین می‌نویسد:

در این آیه، لقمان به فرزندش پند می‌دهد. حکمت لقمان ایجاب می‌کند

که قبل از هر چیز به سراغ اساسی‌ترین مسئله عقیدتی برود و آن مسئله «توحید» است، توحید در تمام زمینه‌ها و ابعاد، زیرا هر حرکت تخریبی و ضد الهی از شرک سرچشمه می‌گیرد، از دنیاپرستی، مقام‌پرستی، هواپرستی، و مانند آن که هر کدام شاخه‌ای از شرک محسوب می‌شود.

همان‌گونه که اساس تمام حرکت‌های صحیح و سازنده، توحید است؛ یعنی تنها دل به خدا بستن و سر بر فرمان او نهادن و از غیر او بریدن و همه بت‌ها را در آستان کبریاپی او درهم شکستن! قابل توجه اینکه لقمان حکیم، دلیل نفی شرک را این نکته می‌داند که شرک ظلمی عظیم است. آن‌هم با تعبیری که از چند جهت، تأکید در بر دارد و چه ظلمی از این بالاتر که هم در مورد خدا انجام گرفته که موجود بی‌ارزشی را همتای او قرار دهند و هم درباره خلق خدا که آن‌ها را به گمراهی بکشاند و با اعمال جنایت‌بار خود آن‌ها را مورد ستم قرار دهند، و هم درباره خویشتن که از اوج عزت عبودیت پروردگار به قعر دره ذلت پرستش غیر او سقوط کنند! می‌بینیم که آقای مکارم که تفسیرش را با توجه به تفسیرهای گذشته نوشته است، به توحید و شرک، نگاه سیاسی و اجتماعی ندارد با اینکه این تفسیر در دوران جدید نوشته شده است. اکنون برای روشن شدن مطلب، اندکی توضیح می‌دهم.

قدرت از نگاه سیاسی و اجتماعی از دیرباز به عنوان محور شر، خطر، قدرت از نگاه تعدی و تجاوز شناخته شده است. به همین دلیل، اساسی‌ترین رویکرد نظام الهی، حذف «قدرت» از جامعه است. وجود قدرت، با آزادی و زندگی برابر و عادلانه انسان‌ها، در تضاد است. شاید حق با ژرم ویدا نویسنده مبتکر قرن شانزدهم میلادی باشد که می‌گوید: «هیچ حکومتی مشروع نیست. زیرا همه قدرت‌های حاکم با زور و نیرنگ بر سر کار



می‌آیند»^۱ من اضافه می‌کنم که در همهٔ اقسام حکومت‌ها، اقلیت حاکم، به گونه‌ای از مردم جدا شده و بیش از دیگران از امکانات عمومی جامعه استفاده می‌کنند. تلاش متفکران جدید غرب در جهت استقرار لیبرالیسم و دموکراسی، با این هدف انجام می‌پذیرد که بتوانند از شر قدرت و حکومت بکاهند.

لیبرالیسم غرب، در برابر کلیسا و سلطهٔ ناشی از دیانت ایستاد. چنان‌که با سلطهٔ سیاسی حکام خودکامه نیز مبارزه کرد. انقلاب ۱۶۸۸ انگلستان، اعلامیه استقلال آمریکا در سال ۱۳۷۶ و انقلاب فرانسه و اعلامیه مجلس انقلابی آن در سال ۱۷۸۹ م. از نتایج این گونه مبارزه‌ها بود.^۲

در نظام اسلامی، قدرت از جامعه حذف می‌شود تا همهٔ افراد خواه اکثریت و خواه اقلیت از قدرت آسیب نبینند و همهٔ انسان‌ها بتوانند در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، حضور داشته باشند. اکنون به چند نمونه از عوامل تدارک و زمینه‌سازی حذف قدرت در تعالیم اسلام به اختصار اشاره می‌کنیم:

الف - تأکید بر توحید

انسان در طول تاریخ زندگی اجتماعی خود، از طرف هیچ موجود دیگری، جز هم‌نوعان خودش مورد تهدید جدی قرار نگرفته است همیشه حضور و اعتبار عده‌ای از انسان‌ها، به وسیلهٔ عدهٔ دیگری از هم‌نوعانش مورد تعدی و تهدید قرار گرفته است. و چنان‌که گفتیم غالباً این تعدی و تهدید هم با عنوان ارتباط با خدا و نمایندگی و نیابت او، به عمل آمده



۱. ویدا، ژرم (Jerome vida)، دربارهٔ بهترین وضع جمهوری، به نقل از: موسکا، گائتانو، تاریخ عقاید و مکتب‌های سیاسی، ترجمهٔ شهیدزاده، تهران، مروارید، ۱۳۶۳، ص ۱۶۶.

۲. بشیریه، حسین، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، تهران، نشر نی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۲.



است. تکیه بر توحید الوهیت و نفی هرگونه شرک این زمینه را که عده‌ای با بهره‌گیری از آن بر دیگران تسلط یابند، از میان برمی‌دارد. از یونان و ایران باستان تا امروز، عده‌ای از مسیحیان به عنوان نمایندگان خدا، به عنوان شاه و مرجع قدرت، یا پاپ و مرجع دین و معنویت، خود را از مردم برتر دانسته و مردم را نیازمند عنایت و حمایت خود می‌دانند. تأکید اسلام به اینکه محمد هم همانند دیگران یک بشر است و نیز تأکید بر بشر بودن انبیای گذشته، برای حفظ حریم توحید است. پرهیز شدید پیامبر خاتم از هرگونه تجلیل و تلاش وی برای زندگی با راه‌ورسم بردگی نیز به خاطر همین بود که مبدا مسلمانان نیز همانند مسیحیان، او را جنبه غیر بشری بدهند.

ما نیز باید به این نکته توجه داشته، و از هرگونه غلو درباره انبیا و اولیا پرهیز کنیم. به همین دلیل ادعای عرفا درباره شأن و جایگاه «قطب»، با تعالیم اسلام سازگار نبوده، از نظر سیاسی مسئله‌ای خطرناک است.

تأکید بر «ختم نبوت» در جهان اسلام و تأکید بر «غیبت کبرا»ی امام در تعالیم شیعه و طرد و رد ادعای «نبایت خاص» امام غایب، همگی درست در تضمین برابری انسان‌ها و جلوگیری از برتری‌جویی‌های عده‌ای به بهانه ارتباط مستقیم آنان با خداست. و این دقیقاً برخلاف ادعای صوفیه و عرفاست. زیرا عرفا قطب زمان خود را دارای ارتباط مستقیم با خدا و عرفا دانسته و او را در جایگاه «ربوبیت» کائنات قرار می‌دهند.^۱ این گونه مسائل و عقاید اگرچه از نظر احساس مریدان و پیروان لذت‌بخش است، اما از لحاظ سیاسی بسیار زیان‌بار و خطرناک است، زیرا به کسانی این امکان را می‌دهد که جایگاه برتری داشته باشند.

۱. ابن عربی، محی الدین، *نقش الفصوص*، قصر آدمی و بحث خلافت در متون معتبر عرفانی، مرکز مطالعات و مدارک اسلامی.

